

# The Process of Forming the Category of Social Security and the Approach of Islamic Jurisprudence to it

## ARTICLE INFO

### Article Type

Analytical Review

### Authors

Abdullah Charejoo Langroudi<sup>1</sup>

Mohammad Jafari Harandi<sup>2\*</sup>

Seyed Abolghasem Naghibi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Abdullah Charejoo Langroudi, Mohammad Jafari Harandi, Seyed Abolghasem Naghibi. The Process of Forming the Category of Social Security and the Approach of Islamic Jurisprudence to it. *Journal of Quran and Medicine*. 2019; 4 (3):64-71

1. Faculty member, Department of Theology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Faculty member, Department of Theology, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Faculty member, Department of Theology, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: harandi\_lawyer@yahoo.com

## ABSTRACT

Humans have long been familiar with the concept of security in terms of their relationship with nature and their fellow human beings. In proportion to their gradual acquaintance with natural and human possibilities, they built a limited society with simple relations, and today they expand their society on a much wider and more complex level. In the process of gradual socialization, the category of security has also changed from simple to complex. Hence, the categories of socialization and security are intertwined and each has contributed to the expansion and complexity of the other. This process is based on specific ontological and anthropological themes, and paying attention to them reveals the mechanism of the interaction between the two. Based on the view of the contemporary commentator and philosopher of the late Allameh Mohammad Hossein Tabatabai, the present article analyzes its themes and through it the mechanism of expanding security and explaining its presence in human society and recognizes the dimensions of security in Islamic jurisprudence.

**Keywords:** Security, Credit, Islamic Jurisprudence

### Article History

Received: 2019/01/28

Accepted: 2019/05/02

Published: 2019/09/22

## فرایند شکل گیری مقوله امنیت اجتماعی و رویکرد فقه اسلامی به آن

عبدالله چاره جو لنگرودی<sup>۱</sup>

عضو هیات علمی، گروه الهیات، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد  
اسلامی، تهران، ایران.

محمد جعفری هرنیدی<sup>۲</sup>

عضو هیات علمی، گروه الهیات، واحد یادگار امام ره شهر ری،  
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید ابوالقاسم نقیبی<sup>۳</sup>

عضو هیات علمی، گروه الهیات، دانشگاه شهید مطهری، تهران،  
ایران.

### چکیده

آدمیان از دیرباز به لحاظ نسبتشان با طبیعت و هموعان خویش با مفهوم امنیت آشنایی یافته اند. به تناسب آشنایی تدریجی آنها با امکانات طبیعی و انسانی، جامعه محدود با مناسبات ساده بنا نموده و امروز هم در سطوح بسیار گسترده تر و پیچیده ترجمانه خویش را می گسترانند. در فرایند تدریجی اجتماعی شدن، مقوله امنیت نیز از ساده تر به پیچیده تر تغییر یافته است. از همین جاست که مقوله اجتماعی شدن و امنیت همبسته به یکدیگر شده و هر یک در گسترش و پیچیدگی دیگری تاثیرگذارند. فرایند مذکور مبتنی بر بن مایه های هستی شناختی و انسان شناختی خاصی است که توجه به آنها فهم ساز و کار تاثیر متقابل آن دو را آشکار می سازد. نوشته حاضر بر اساس دیدگاه مفسر و فیلسوف معاصر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی به تحلیل آن بن مایه ها و از رهگذران به ساز و کار گسترش امنیت و تبیین حضور آن در جامعه انسانی پرداخته و ابعاد مورد توجه امنیت در فقه اسلامی را بازشناسی می نماید.

کلید واژه ها: امنیت، اعتباریات، فقه اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

\*نویسنده مسئول: harandi\_lawyer@yahoo.com

### مقدمه

از نظر نگارنده بازشناسی مبانی فلسفی توجه به مقوله امنیت و کاوش در ساز و کار و رشد و گسترش آن به منظور دستیابی به فهم عمیق آن مقوله، امری گریز ناپذیر است. برای درک ماهیت امنیت، تلاش در ارائه تعریفی دقیق و بیان اقسام آن و توضیح ارتباط میان آنها، قطعاً امری لازم بوده ولی کافی نیست زیرا آشنایی با امور مذکور نمی تواند پاسخ پرسش هایی از این دست باشد که: چرا آدمی به مقوله امنیت توجه می نماید؟ چرا آن را بسط داده و هر روز در چهره جدیدی آن را دنبال می کند؟ اساساً چه اموری در سازوکار رشد و گسترش این مقوله دخالت دارند؟ و..... آشکار است که دانستن اینکه امنیت چیست و چه اقسامی دارد، غیر از این است که بدانیم که چرا در جوامع بشری امنیت و اقسام اش به وجود آمده است. پرسش اولی پاسخی استقرایی و دومین پاسخی تحلیلی-عقلی می طلبد.

برخی از فیلسوفان مسلمان به مسئله تبیین فرایند تشکیل جامعه توجه داشته و تا حدودی به آن پرداختند ولی در این عرصه تنها فیلسوفی که به گونه ای مبسوط ساز و کار آن فرایند و مبانی انسان شناختی آنرا کاویده، مفسر بزرگ قرآن فیلسوف معاصر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی است. ایشان در معرفی ادراکات اعتباری، چگونگی تشکیل جامعه بشری را از منظر تحلیل فلسفی خویش مورد توجه قرار داده و در این مورد نوآوری های قابل توجهی از خویش بر سنت فکری گذشتگان افزوده اند. نوشتار حاضر به اختصار به تبیین نگاه و نظریه ایشان می پردازد تا از رهگذران، فرایند توجه به امنیت و شکل گیری و گسترش آن در بستر تاریخ بشری در لایه ای ژرفتر از آنچه که در استقراء موارد آن درک می شود، تبیین گردد.

آگاهی، نیاز، اعتبار سازی و امنیت

مرحوم طباطبایی فرایند تعامل آدمی با محیط و هموعان خود را در گرو مولفه های نیاز، آگاهی و اعتبار سازی تبیین می نماید. به اختصار دیدگاه ایشان را مرور نموده و نتایج آن را در مسئله امنیت رصد خواهیم کرد. نظریه ایشان بر چند اصل جهان شناسی و انسان شناسی استوار است:

۱- موجودات به لحاظ برخورداری از تکامل به سه گروه تقسیم می شوند: گروه اول موجوداتی که از ابتدای موجودیتشان هر آنچه را که می توانستند داشته باشند به آنها اعطا شده است و از این جهت در آنها تکامل رخ نمی دهد. موجودات مجرد از ماده مانند فرشتگان در این گروه قرار دارد. گروه دوم موجوداتی از جنس ماده که در صورت فراهم شدن شرایط و زمینه ها به طور طبیعی و غیر اختیاری حرکات و تغییراتی در آنها رخ داده و در نتیجه دارایی هایی جدیدی به دست می آورند. عناصر اولیه و گیاهان در این گروه قرار می گیرند. گروه سوم آن دسته از موجوداتی هستند که به تحریک سرشتشان به دنبال کمالاتی هستند ولی به صرف قرار گرفتن در محیط به آنها نمی رسند و می بایست از ابزارهایی سود جست تا به دارایی های جدید برسند. حیوانات و انسانها از این گروه هستند. (۳، ۲ و ۴)

طرف نشود آن اعتبار لغو شده و اعتبار دیگری جای آن را می‌گیرد و از این رو " این معانی یعنی اعتبارات قابل تغییر میباشد و با تبدیل عوامل وجود خود (احساسات درونی) متبدل می‌شود. (۲) بر این پایه اعتباریات اندیشه‌های ایزاری بوده که درستی و نادرستی آنها به معنای کارآمدی و ناکارآمدی است.

اعتباریات در نسبت با نیازها قابل ارزیابی اند بدان معنا که در ایجاد یک اعتبار می‌بایست نیازهای مورد نظر و روش‌ها و امکانات برآورنده نیازها را مد نظر قرار داد. اصلی‌ترین نیازها و تمایلات آدمی می‌توان اصلی‌ترین اعتبارات را مشخص کرد. انسان تمایل است که به وجود خویش ادامه دهد و هر چیزی - خواه آدمی دیگر یا اشیاء - که به گونه‌ای حیات و بقاء وجودی او را خواستنی تر می‌کند به دست آورد. این اصل حاکم بر وجود آدمی به دست تکوین الهی در سرشت او نهاده شده است. برخورداری از موجودات بیرونی و بهره‌مندی از آنها در جهت بقاء هرچه مطلوب‌تر، مشروط به انجام فعالیت‌های خاصی مانند خوردن، آشامیدن، بریدن، برداشتن و... است. بر این اساس انسان هر فعالیتی را که در جهت بقاء و گسترش وجودی لذت بخش تر بیاید، برای خود ضروری و واجب فرض یا اعتبار می‌نماید (اعتبار وجوب) و همچنین مایل است که به هر موجود بیرونی که نیازش را برطرف می‌سازد در خدمت خود آورد و از منافع آن بهره‌مند شود (اعتبار استخدام) و از آنجایی که در دستیابی به بقاء مطلوب از درد و رنج می‌گریزد، هر فعالیتی را که با کمترین رنج و زحمت او را به هدف می‌رساند برمی‌گزیند (انتخاب اخف و اسهل یا انتخاب راه کم زحمت تر و آسانتر) و به دلیل اینکه فعالیت‌هایی که آدمی را به هدف میرساند انتخاب می‌شوند پس فعالیت‌هایی را که معتقد است که با او سازگارتر بوده انجام می‌دهد (اعتبار حسن یا خوبی) و فعالیت‌هایی که ناسازگار می‌یابد آنها را انجام نمی‌دهد (اعتبار قبح یا بدی).

اعتبارات نامبرده از عمومی‌ترین اعتباراتی هستند که در هر گونه فعالیتی لحاظ می‌شوند و در واقع منطق حاکم بر تنظیم رابطه انسان با محیط پیرامون می‌باشند. "اعتبارات عمومی (اعتبارات قبل الاجتماع) چون اعتبارات هستند که انسان در هر تماسی با فعلی می‌گیرد از اعتبار آن‌ها گریزی ندارد - یعنی اصل ارتباط طبیعت انسانی با ماده در فعل آنها را به وجود می‌آورد - از این رو از میان نرفته و تغییری در ذات آنها پیدا نمی‌شود. (۲) "زمانی مسافرت‌های طولانی با چهارپا یا کجاوه و یا تخت روان انجام می‌گرفت ولی با پیدایش وسایل تازه مانند اتومبیل و هواپیما، قاعده لزوم انتخاب اسهل تازه را به جای کهنه نشانید و صفت لزوم و خوبی را از آن گرفته و به این داده و البته اصل خوبی از بین رفت ولی جای خود را عوض کرد. در هر گوشه و کناری از اجتماع امروز صدها مثال برای اینگونه تغییرات رسمی - آدابی، اخلاقی، معاملاتی و تماس‌های اجتماعی می‌توان پیدا کرد. (۲)

از نظر مرحوم طباطبایی شرایط اقلیمی و محیط زندگی، آدمیان را به اعتبارات متفاوتی سوق می‌دهد. "اختلافات فاحشی که از افکار اجتماعی و آداب و رسوم سکنه منطقه‌های مختلف زمین مشهود است بخش مهمی از آنها از همین جا سرچشمه می‌گیرند. (ق ۲)

۲- هر گونه تکامل به واسطه حرکت صورت می‌گیرد. گروه دوم و سوم به اقتضای سرشت و ساختمان جسمانی، حرکت‌های خاص و متفاوتی انجام می‌دهند ولی فعالیت همه آنها به نفع هستی و بقاء خود است و از این رو "موجودی که به سوی نابودی یا ضرر خود قدمی بردارد سراغ نداریم. (۲)

۳- بخش قابل توجهی از فعالیت‌های گروه سوم؛ حیوانات و انسانها، از روی قصد و اراده صورت می‌گیرد و اراده آنها به چیزی تعلق می‌گیرد که با آن آگاهی دارند. آنها نمی‌توانند چیزی را که وجودش را درک نکرده‌اند بطلبند و از خطری که از آن آگاه نیستند بگریزند. بنابراین آنها فاعل علمی بوده که بدون آگاهی نمی‌توانند هیچ گونه تصمیم‌گیری نموده و اقدام عملی انجام دهند. از این رو باید به نیازها و وسایطی که آنها را برآورده می‌سازند و همچنین به روش بهره‌برداری از آن وسایط آگاهی یابند. (۲، ۳ و ۴) دستگاه تصمیم‌گیری این گونه از موجودات کاملاً محدود و مقید به میزان آگاهی آنهاست.

۴- علم اعتباری وسیله‌ای برای تحقق خواسته هاست. انسانها و حیوانات پس از درک موجودات بیرونی و درک نیاز خود راهی جز این دارند که آن نوع ارتباطی را که قصد دارند با واقعیت‌ها برقرار نموده (مانند خوردن، آشامیدن، برداشتن و...) در آگاهی خود ترسیم نمایند تا بتوانند آن ارتباط را محقق ساخته و نیاز خود را بر آورند. (۲) اندیشه‌های اعتباری همان تصاویر و نسبت‌های پنداری و تخیلی اند که نوع رابطه عملی آدمی را با فعالیت‌ها و موجودات جهان خارج نشان می‌دهند و مسیرهای عملی نیازها را پیش روی اراده قرار داده و اراده مطابق آنچه که در آن تصاویر می‌بیند فرمان‌های اجرایی را صادر نموده و فعالیت‌های زندگی را به جریان می‌اندازد. (۲)

اندیشه‌های اعتباری از اندیشه‌های حقیقی ساخته می‌شوند. اندیشه‌های حقیقی همان تصاویری است که قوه مدرکه آدمی در اثر اتصال با واقعیتی از طریق حس یا شهود درونی، درک و تصویری از آن بر می‌سازد که این تصاویر همان اندیشه‌های حقیقی هستند. در ساختن اندیشه‌های اعتباری ذهن مفاهیم حقیقی متناسب را انتخاب کرده و بر اساس نیاز خود آنها را در ترکیب جدیدی اعتبار (فرض) می‌نماید. به عنوان مثال ما از خود و دستان خود و این نسبت که دست تحت اختیار ما بوده مفاهیمی در ذهن داریم که همه آنها مفاهیم حقیقی اند ولی در مقام اعتبار سازی همان نسبت حقیقی که میان خود و دست دریافته بودیم، میان خود و مثلاً خانه فرض می‌نماییم و بر اساس نسبت جدیدی که تنها در عالم فرض و پندار وجود دارد خود را مالک و خانه را مملوک و نسبت میان آن دو را مالکیت می‌نامیم. "از همین جا می‌توان گفت که هر یک از این معانی وهمی روی حقیقتی استوار است. (۲)

نکته بسیار مهمی که درباره اندیشه‌های اعتباری باید همیشه مدنظر قرار داد این است که دستگاه اندیشه آدمی برای برطرف نمودن نیازهای طبیعت انسانی اعتباریات را بر می‌سازد تا راه را برای اراده و عمل باز نماید. بنابراین اگر نیازی نباشد، اعتباری شکل نمی‌گیرد و اگر با اجرای اعتبارات قبلی نیاز مورد نظر بر

ایشان گسترش علم و دانش بشر و در نتیجه دستیابی به امکانات جدید را نیز از عوامل تغییر اعتبارات بر می‌شمارند چرا که آدمی گرایش دارد که از سازگار به سازگارتر و از آسان به آسان‌تر حرکت کند. (۳)

نیاز موتور محرک انسان است تا با محیط پیرامون خود ارتباط عملی برقرار سازد؛ البته مشروط به اینکه به نیازهایش آگاه گردد زیرا اگر نیازی مانند پیشگیری از بیماری وجود داشته باشد ولی او از آنها مطلع نگشته در این صورت هیچ گونه اقدامی نمی‌نماید. از سویی علاوه بر نیاز و آگاهی از نیاز آدمی می‌بایست به راهکارهای برآورنده شدن آنها نیز آگاهی یابد. پس از آگاهی به راهکارها نوبت آن است که رابطه نیاز خویش (مانند گرسنگی) و واقعیت‌های مرتبط با رفع نیاز (مانند غذا) و کاری که لازم است انجام دهد (مانند خوردن) تصور نماید (اعتبار سازی مانند باید غذا بخورم).

انسان‌ها دریافته‌اند که پاره‌ای از نیازهایشان توسط همونوعا نشان برآورده می‌شود. از این رو بر اساس اعتبار استخدام، زندگی در کنار یکدیگر را اعتبار می‌نمایند. (۳) و از همین جاست که در اثر زندگی جمعی انسان‌ها اعتبارات جدیدی (اعتبارات بعد از اجتماع) به وجود می‌آیند. این گروه از اعتبارات به حدی فراوانند که شاید تشخیص و طبقه‌بندی و شماردن آنها بالاتر از توانایی فکر بوده باشد. (۳)

در جهانی که زندگی می‌کنیم واقعیت‌های بسیاری وجود دارند که می‌توانند نیازهای آدمی را برآورند. برخی از آنها می‌توانند مورد استفاده همگان قرار گیرند و برخی نمی‌توانند. از این رو انسانها نیاز دارند که با اعتبارات مورد قبول یکدیگر، مشخص کنند که کدامیک از آنها اختصاصی و کدامیک عمومی است. از همین جاست که اصل مالکیت عمومی و خصوصی به وجود می‌آید و بر اثر تنوع نیازها، اقسام گوناگونی (مالکیت عین، منفعت، شراکت و...) پا به عرصه اعتبارات می‌گذارند. همچنین دریافته‌اند که گروهی که خواسته‌هایی مشترک دارند می‌بایست برای دستیابی به آن نیروها را با یکدیگر همسو نمود و در اینجاست که اصل ریاست و مروتیست اعتبار می‌گردد. به همین ترتیب برای دستیابی به نیازهایی که همونوعانشان آنها را برطرف می‌کنند، اعتبارات جدیدی از قبیل: تبادل اموال (بیع) ازدواج، طلاق، اجاره، شراکت، وکالت، کفالت، پول، چک، سفته و ... پا به دایره اعتبارات اجتماعی می‌گذارند و نظامی از حقوق فردی و اجتماعی پدید می‌آیند.

از سوی دیگر آدمیان به علت زیاده‌خواهی و راحت‌طلبی، انحصار طلبی، کینه‌جویی، عقده‌گشایی، جهل و...، اعتبارات جاری در اجتماع را که به مثابه منطق حاکم بر رفتار افراد جامعه نادیده می‌گیرند و از همین جاست که جامعه بر آن می‌شود که تا با تنظیم اعتبارات جدیدی از اعتبارات جاری در جامعه حمایت نموده تا محترم شمرده شوند و فرایند برآوردن شدن نیازها در عرصه اجتماع مختل نگردد. بدینسان مفاهیم اعتباری جدیدی که هر کدام مشمول حکمی اعتباری (زندان، حد، مصادره اموال، منع از تصرف، جریمه و...) می‌گردند، به اعتبارات قبلی افزوده می‌شود.

همونوعانی که نیاز یکدیگر را بر می‌آورند به علل گوناگون می‌توانند به یکدیگر آسیب برسانند - همانگونه که طبیعت اینگونه است- و از همین جاست که مفهومی به نام امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو بشر برای حفظ اعتبارات اجتماعی (حقوق به معنای عام) به ناچار باید به اعتبارات دیگری بیندیشد که پشتوانه و حافظ آن اعتبارات قبلی باشد. بر این پایه اعتبارات مربوط به حفاظت از اعتبارات دیگر؛ که همان اعتبارات برآورنده نیاز به امنیت است، خود زاده نیازی است که همیشه تابع نیازی پیشینی است و اعتبارات تامین‌کننده اعتبارات پسینی است. از یاد نبریم که هراعتباری مسبوق به نیاز و راهکارهای برآورنده نیازو آگاهی از این دو است و بنابراین اگر نسبتی اعتباری وضع گردد ولی آسیب‌های آن ناشناخته باشند در این صورت نوبت به اعتبارات تامینی نمی‌رسد؛ همان‌گونه که اگر نیازی تشخیص داده نشود نسبت اعتباری نیز وضع نمی‌گردد و به دنبال آن، احتیاجی به اعتبار تامینی نخواهد بود.

نیازها و امور برآورنده آنها و اعتبار سازی و ایجاد اعتبارات جدید برای حفظ اعتبارات قبلی همه در گرو آگاهی به امور مذکور است. با توجه به اینکه آگاهی و علم بشر رشد تدریجی داشته بر این پایه اعتبارات فردی و اجتماعی و امنیتی نیز تدریجاً رشد نموده است. سادگی و پیچیدگی، سنتی و مدرن، توسعه یافتگی و عقب ماندگی، سرعت و سکون و کندی، دینی و غیردینی و... در جوامع بشری، از میزان آگاهی از محیط و امکانات و راهکارها و آسیب‌های طبیعی و غیرطبیعی و پیروی نموده و می‌نماید.

نگارنده بر آن است که تصویری که مرحوم علامه از دستگاه اعتبار سازی آدمی و فرآیند پیوند او با موجودات بیرون از خود ارائه می‌کند می‌تواند علل و زمینه‌های پیدایش امور مربوط به امنیت را تبیین نماید؛ اموری مانند: تعریف امنیت و تقسیمات آن به لحاظ سطح امنیت فردی، خانوادگی، ملی و جهانی (۵، ۶، ۷) و تقسیم بندی به لحاظ موضوع به امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و همچنین تقسیماتی دیگر مانند: امنیت فرهنگی، قضایی و اطلاعاتی.

مطابق دیدگاه مرحوم طباطبایی هرنوع قانونگذاری بر اساس تشخیص نوع نیاز و اولویت بندی آنها و راههای دستیابی به آنها و همچنین بر اساس تشخیص نوع تهدیدی که در هر سطح می‌تواند تامین نیازهای فردی و جمعی را به خطر اندازد، به تدوین قانون (اعتبار سازی) می‌پردازد. هر کجا که باور او در هر یک از موارد مذکور- به هر علتی- تغییر یافت، یا اعتبارات خویش را با ماده و تبصره تکمیل می‌نماید و یا آنها را با قوانین کارآمد تر جایگزین می‌کند و یا از اساس با ب جدیدی در عرصه قانونگذاری می‌گشاید و قوانین تازه تری را وضع می‌نماید. بر این اساس هر نوع قانونگذاری مبتنی بر میزان آگاهی و نوع نگاهی است که قانون‌گذاران به انسان و نیازها و جهان پیرامون دارند.

در این وضعیت از این پرسشها نمی‌توان و نباید اغماض نمود: آیا نیازهای اصیل آدمی منحصر به نیازهای مادی اوست یا نیازهای معنوی او نیز از اصالت برخوردارند؛ در صورت اصالت هر دو، آیا یکی بر دیگری اولویت دارد یا هر دو یکسان می‌باشند؛ آیا در

توسعه می‌دهد و از محرمات شرعی است که مجازات آن برای مردان تبعید و برای زنان شلاق است. (۱۰)

#### ۱-۱-۲- محرمات اعتقادی:

الف- ارتداد: ترک مسلمانی پس از اسلام آوردن است که اگر کسی مرتکب آن شد محکوم به قتل و فسخ نکاح و تقسیم اموال می‌گردد. ارتداد علاوه بر اینکه خود فرد را از دین و ارزشهای دینی جدا می‌کند باعث سست شدن اعتقاد دیگران و زمینه‌ای برای خلل در اعتقادات و تضعیف حضور دین در عرصه اجتماع می‌گردد.

ب- بدعت: نوعی نوآوری در دین به گونه‌ای که چیزی که در دین نیست به عنوان امری دینی و نمود شود. "هیچ چیزی مثل بدعت موجب از بین رفتن دین نمی‌شود." (۱۱)

#### ۱-۱-۳- محرمات زبانی:

الف- دروغ: یکی از معاصی کبیره که بر اساس منابع چهارگانه حرمت آن امری مسلم است، دروغ می‌باشد. دروغ اساسا اعتماد افراد به یکدیگر و آرامش خاطر و به دنبال آن اعتماد اجتماعی را آسیب‌پذیر می‌کند.

ب- غیبت: عبارت است از یادکردن از شخص به هدف مذمت یا نشان دادن نقص، در صورتی که حضور نداشته و از نسبت آن نقایص به خود ناراحت می‌گردد. غیبت از عوامل ترور شخصیت است که با فراگیر شدن آن جامعه دچار آسیب روانی و احساس ناامنی در ارتباط با دیگران می‌گردد و این نیز امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌افکند.

#### ۱-۲- بسترهای شکل‌گیری امنیت اجتماعی در فقه اسلامی

تأمین امنیت اجتماعی و فراهم نمودن زمینه تحقق آن یکی از اهداف ویژه فقه اسلامی است. در این راستا می‌توان احکام و قواعد و ساز و کارهای فقهی متعددی را از آثار فقها استخراج کرد که تأمین‌کننده امنیت اجتماعی می‌باشند. مهم‌ترین آن‌ها به قرار ذیل هستند:

الف- حدود و تعزیرات (فقه کیفری): تردیدی نیست که حفظ نظام‌های اجتماعی و رعایت حقوق مردم و اجرای عدالت، مستلزم وضع مقرراتی به منظور معین کردن حدود و ثغور آزادی‌ها و مجازات مجرمان است تا مردم بتوانند از جهت مال و جان و آبرو در امنیت باشند. (۱۲)

ب- حجاب (فقه پوشش): حجاب موجب برقراری آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام زن می‌شود و می‌تواند یکی از عوامل مهم در برقراری امنیت اجتماعی باشد. (۱۳)

ج- ترویج همکاری در کارهای خیر: در سوره مبارکه مائده آیه دوم به تصریح به همکاری با یکدیگر در کارهای خوب و عدم همکاری در کارهای بد تصریح گردیده شده است. پرواضح است که همکاری در امور خیر حس همکاری و مشارکت اجتماعی و به دنبال آن انسجام اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را افزون تر می‌نماید.

د- پایبندی به پیوندهای اجتماعی: اساس نظام اجتماعی بر تعهدات و پیوند ها استوار است و در سایه پایبندی افراد به آنها استحکام

قانون‌گذاری می‌بایست کاملاً تابع قوانین دینی بود یا هیچ تقییدی به قوانین دینی نداشت (سکولاریزم)؟ آیا مناسبات قانونی که برای تأمین امنیت در همه سطوح وضع شده‌اند کارآمدترین مناسبات قانونی است یا لازم است که در آنها دخل و تصرف نموده و گاهی قوانین جدیدی را به جای آنها بکار بست؟ پاسخ به این پرسش‌ها همان پس زمینه‌های فکری قانونگذاران است که در وضع قوانین تأثیری تام دارند. آری تفاوت‌های بنیادین در سیستم‌های قانون‌گذاری ریشه در همین مبانی دارد.

#### فقه اسلامی و امنیت

علم فقه اسلامی میراث گرانمایی است که از سوی دانشمندان مسلمان به دست ما رسیده است. این علم محصول استنباط احکام و قوانین شرعی در طول بیش از ده قرن بوده که پیوسته از طریق نقد و نظرها پیراسته و سازمانی منسجم و مستحکم یافته است. فقیان به پشتوانه دیدگاههای کلامی برآن بوده اند که شریعت مقدس همه جوانب لازم در زندگی فردی و اجتماعی انسان را مد نظر داشته و بهترین مناسبات قانونی را در احکام شرعی اعمال نموده است و وظیفه دانشمندان دینی تنها کشف آن احکام در میان منابع چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) می‌باشد. آن قوانین توانایی اداره تنظیمات روابط انسانی را برای همه عصرها و نسل‌ها داشته و با بدست دادن اصول و قواعدی (اصول عملیه و احکام ثانویه و احکام حکومتی) می‌تواند هر جامعه‌ای را برای سعادت دنیوی و حتی سعادت اخروی ساماندهی نماید. بر این پایه هیچگاه به فکر طراحی ساختار روابط انسانی با اولویت‌بندی نیازها و راهکارهای متناسب با آن‌ها و راه‌های تأمین و حراست از آن قوانین نبوده‌اند زیرا همه آنها توسط شارع مقدس تدارک دیده شده و تنها لازم است آنها را از منابع چهارگانه استخراج نمود.

#### ۱- مواردی از ملاحظات مربوط به امنیت در فقه اسلامی

۱-۱- امنیت اجتماعی: نظم اجتماعی و به تبع آن امنیت اجتماعی بر ارزش‌ها (اعتبارات مورد توافق جامعه) مبتنی بوده و در صورت نادیده گرفته شدن و برهم خوردن تعادل میان آنها و محیط، امنیت اجتماعی دچار آسیب می‌گردد. (۸) بر این اساس در آموزه‌های دینی تعریف ارزش‌ها و نهادینه کردن آنها در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از جمله مهمترین عوامل برهم زننده امنیت اجتماعی در فقه اسلامی موارد ذیل هستند:

#### ۱-۱-۱- محرمات مربوط به مسائل جنسی:

الف- نگاه به نامحرم: برخی از فقها با استناد به روایتی از پیامبر اکرم علت حرمت نگاه به نامحرم را ایجاد مصونیت از زنا و مصدوم و شیفته زن نامحرم شدن دانسته‌اند. (۹)

ب- زنا: امنیت خانواده یکی از اهداف موکد در فقه اسلامی است. یکی از تهدیدهای جدی امنیت خانواده ارضاء نیازهای جنسی زن و شوهر در خارج از چهارچوب شرعی می‌باشد که علاوه بر ایجاد شکاف میان زن و شوهر عامل زمینه‌سازی برای فساد در خانواده و همچنین جامعه می‌گردد.

ج- قوادی: واسطه‌گری و راهنمایی در جهت انجام عمل زنا یا لواط قوای نام دارد که از جمله افعال حرام است که فحشا را

کریم و روایات اسلامی به فراوانی از آن سخن رفته و بر آن بسیار تأکید شده است.

ب- حرام بودن همکاری با طاغوت: طاغوت یا ظالم در ادبیات فقهی با ناامنی و تهدید امنیت اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همراه است. به همین سبب در تعالیم فقهی همکاری با ظلم و طاغوت مذمت و مبارزه با آن در شرایط خاص واجب شمرده شده است. (۱۰)

ج- برقراری نظام عدل: از واژه‌های پُربسامد در منابع دینی است. مفهوم عدالت از مفاهیمی است که در همه عرصه‌های تکوین، تشریع، تدبیر و منش فردی جاری است. دعوت به قسط و عدل در واقع دعوت به ایجاد جامعه‌ای با ساختار اجتماعی مبتنی بر قسط و عدل است. با استقصاء کاربردهای آن دو واژه در می‌یابیم که آنها در معانی تعادل اقتصادی و توازن ثروت در جامعه و تساوی قضایی و عدالت حقوقی در جامعه است. قرآن کریم افزون بر اینکه قسط و عدل را به عنوان دو تکلیف دینی بر عهده افراد قرار داده است آن دو را از اهداف بعثت انبیاء (ع) نیز برشمارده است. (نساء، آیه ۱۳۵ و حدید، آیه ۲۵)

د- شورا (مشارکت سیاسی): شورا تبادل نظر برای نیل به بهترین نظر می‌باشد که می‌توان آنرا واژه‌ای در مقابل استبداد تلقی کرد. (۱۶) در قرآن کریم (آل عمران، آیه ۱۵۹) و در روایات پرشماری مسئله شورا مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. دستوره مشاورت، نوعی مقابله با استبداد بوده و به نوعی به تأمین امنیت اجتماعی می‌انجامد زیرا که پرواضح است که افرادی که تحت حکومت استبدادی هستند از حداقل امنیت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخوردار نیستند.

مواردی که در خصوص توجهات فقه اسلامی به مقوله امنیت آورده‌ام از مهم‌ترین آنها بود. آنها را می‌بایست در ظرف و زمینه تاریخی خودشان نگریست و دریافت که فقه اسلامی با وجود اینکه مربوط به قرن‌ها پیش بوده ولی مهمترین مسائل مربوط به امنیت فرد و جامعه را مورد توجه قرار داده است و از این نظر می‌بایست به آن بالید. جامعه اسلامی وبه ویژه جامعه شیعی بر اساس همین فقه قرن هاست که امورات خود را تنظیم می‌نماید و حلال و حرام و واجب و مستحب خویش را از آن می‌ستاند و نحوه معاملات اجتماعی (خرید و فروش، اجاره، ازدواج، طلاق، رهن، وکالت و...) بر اساس آن سامان داده و در مقام حل اختلافات به قضاوت فقهی تکیه میکند. علم فقه شیعی که از خصوصیات بارز آن پویایی و تازگی و به روز بودن است هیچ مسئله نوظهوری را بی پاسخ نگذاشته است.

توسعه جوامع بشری در قرون اخیر شتابی مضاعف یافته و روز به روز در برآن افزوده می‌شود. پیشرفت بشر در عرصه علم و فناوری و علوم انسانی، ابزارها و راهکارهای کارآمد را در اختیار بشر نهاده و از سوی دیگر دستیابی به سیستم اطلاع رسانی گسترده از طریق شبکه‌های جهانی ارتباطات، جهان آدمیان را به دهکده‌ای تقلیل داده که تقریباً همه چیز برای همگان در دسترس اطلاعاتی قرار گرفته و در نتیجه به سرعت از دانش و راهکارهای جوامع دیگر مطلع می‌گردد. بشر امروزی در سایه پیشرفت در عرصه

جامعه تضمین می‌گردد و در صورتیکه نادیده گرفته شوند روابط حاکم بر جامعه دچار تزلزل گشته و احساس امنیت و امنیت جامعه به خطر می‌افتد. در همین راستا در تعالیم اسلامی قاعده وفای به عهد در جهت تأمین پیوندهای اجتماعی وضع گردیده است. چنین قاعده‌ای در چند جای قرآن کریم (اسراء، ۳۴ و بقره، ۴۰ و آل عمران، ۷۶ و نحل، ۹۰ و مائده، ۱) مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

ه- توجه به حق الناس: از توصیه‌های موکد در دین مبین اسلام پاسداشت خون و مال و آبروی مسلمان است. برای این منظور قواعدی مانند قاعده "درء" وضع گردیده شده است. بر اساس این قاعده، اصل بر بی‌گناهی افراد است و چنانچه کوچکترین شبهه‌ای در مفهوم یا مصداق جرم وجود داشته باشد، اعمال مجازات ممنوع می‌گردد. (۱۴) این نگاه به جرم و جرایم در جامعه موجب ایجاد فضایی آرام و احساس امنیت در جامعه می‌گردد که در این صورت امنیت اجتماعی تحکیم می‌شود.

۳-۱- امنیت سیاسی: امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. (۵) به تعبیری دیگر امنیت سیاسی تأمین آرامش شهروندان از راه تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی است. در فقه اسلامی عوامل تهدیدکننده امنیت سیاسی مورد توجه قرار گرفته اند که عبارتند از:

الف- محاربه: بکارگیری سلاح (برکشیدن یا آماده سازی و یا حمل به منظور ترساندن مردم و در راستای ایجاد فساد، محاربه نام دارد. (۱۰) محاربه به عنوان یکی از تهدیدکننده های امنیت سیاسی به لحاظ مفهومی و مصداقی توسعه یافته ؛ به گونه‌ای که امروزه حکم محاربه طیف وسیعی از اقدامات ضد امنیت سیاسی و اجتماعی از ترور تا تجاوز به عنف را شامل می‌گردد. فقهها برای مقابله با آن چهار حدّ و کیفر (قتل، به صلیب کشیدن، بریدن انگشتان دست و پا به طور معکوس و تبعید) را تعیین نموده اند.

ب- بغی: در لغت به معنای گذر از حدود مشخص شده است. مرحوم علامه طباطبائی در ذیل آیه ۳۳ سوره مبارکه اعراف آورده اند "مراد از بغی تعدی و طلب کردن چیزی است که حق طلب کردن آن را نداشته باشد؛ مانند انواع ظلم‌ها و تعدّیات بر مردم و استیلاي غیرمشروع بر آنها. (۱۵) مطابق این نظر بغی یکی از عوامل تهدیدکننده امنیت سیاسی و حقوق مدنی شهروندان می‌باشد.

۴-۱- راه‌های تأمین امنیت سیاسی:

الف- مسئولیت عمومی در نظارت بر قدرت (امر به معروف و نهی از منکر) بسیاری از نظام‌های سیاسی برآنند که با راهکارها و ساز و کارهای گوناگونی فساد ناشی از تمرکز قدرت را به حداقل برسانند. در اندیشه سیاسی اسلام یکی از سازوکارهای تهدیدکننده قدرت سیاسی فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نهاد نظارتی بیرونی است که ازجانب عموم مسلمانان اعمال می‌گردد. با توجه به ظرفیت بالای این نهاد در تأمین امنیت سیاسی شهروندان، برخی از فقها از آن به عنوان نهاد حسبه یاد کرده اند. امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که در قرآن

که در این صورت میزان اعتماد اجتماعی به احکام دینی کاسته می‌شود و در نتیجه علم فقه ناکارآمد جلوه کرده و از صحنه حذف خواهد گردید.

#### نتیجه‌گیری

- ۱- بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی آدمیان بر اساس تشخیص نیاز و راهکارهای دستیابی به آن و اعتبار سازی، با موجودات خارج از خود ارتباط عملی برقرار می‌کنند.
- ۲- اصول اعتباری استخدام، مالکیت، ریاست و شعبه‌های متنوع آنها و همچنین اصول اعتباری که ضامن حفظ اعتبار اولیه باشند (اصول اعتباری تامینی) از مهم‌ترین اصولی هستند که شیرازه جامعه انسانی را شکل می‌دهند.
- ۳- شرایط اقلیمی و گسترش علم و دانش بشری از عوامل مهم تغییر اعتبارات اجتماعی هستند.
- ۴- علم فقه میراث گرانبهایی است که در طول قرن‌ها به دست فقیهان بر ساخته شده است که در آن به طور چشمگیری به اعتبارات مربوط به امنیت فردی و اجتماعی و سیاسی توجه گردیده است.
- ۵- کارآمدی و بقاء علم فقه در گرو رصد تحولات اجتماعی و بررسی بازخورد احکام اجرایی فقهی است.

#### References

1. The Holy Quran
2. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein, Principles of Philosophy and Method of Realism, Ch 3, Public Joint Stock Company, Bita
3. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein, Rasa'il Sab'a, Tehran, Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation in collaboration with Book Publishing, 1983
4. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, The End of Wisdom, Qom, Islamic Publishing Institute, 1983
5. Bozan, Bari, People of Government and Fear, Tehran, Research Institute for Strategic Studies, 1999.
6. Mandel, Robert, The Changing Face of National Security, Translation of the Institute for Strategic Studies, Tehran, Institute for Strategic Studies, 1998
7. Eftekhari, Asghar and Qadir Nasri, Methods and Theory in Security Studies, Tehran, Research Institute for Strategic Studies, 2004.

های یاد شده احساس تسلط بیشتری بر طبیعت دارد و از این طریق توانایی بیشتری در دست‌یابی به هرچه بخواهد در خود احساس می‌کند. از همین جاست که نیازهای جدیدی در وی فوران می‌نماید. آری انتظارات بشر امروزی از زندگی با انتظارات دیروز بسیار تفاوت نموده است.

چیزی که هست این است که بر مبنای سازو کاری که مرحوم علامه طباطبایی ترسیم نمود برای دستیابی به آن انتظارات بر اساس همان فرمول‌های ثابت عمل مینماید؛ یعنی آگاهی از نیازها و راهکارهای دستیابی به آن و وضع اعتبارات و جعل قوانین امنیت بخش. حقیقت این است که پیشرفت‌های کنونی سرعت اعتبار سازی را شتابان کرده و به همین دلیل تغییرات اجتماعی در مدت بسیار کوتاهی رخ دهد. این تغییرات در عرصه‌های گوناگونی مانند: حمل و نقل، رسانه، شکل و ساختار منازل و شهرها، وسایل ارتباطی، انجام معاملات اقتصادی در شکل‌های جدید، وسایل زندگی، خدمات‌رسانی، برهم خوردن سنتها و آداب و رسوم گذشته و کم‌رنگ شدن آنها، نحوه جدید ارتباطات انسانی، تخلفات و جرم‌ها در شکل‌های تازه و بی‌سابقه و...، صورت می‌گیرد.

جامعه سنتی اسلامی بیش از ۱۳ قرن چنین تغییراتی را که امروز شاهد آن هستیم تجربه نکرده بود و بر همان اساس برای اداره امور اجتماعی و گشودن ابواب جدید در فقه و طرح مسائل پیچیده، نیازی نداشت و به همین دلیل مشابهت مباحث فقهینزد فقه‌های مسلمان آنگذر زیاد است که در نگاه اول آدمی را به یاد واژه "تکرار مکررات" می‌اندازد. تا زمانی که بشر سنتی انتظارات خود را از زندگی عوض نکرده بود و از نیروهای طبیعی آگاه نشده بود سقف نیازش نیز فراتر از گذشته نمی‌رفت و همین شکل زندگی او ماهیت و گستره علم فقه را ثابت نگه می‌داشت. تغییرات جوامع بشری در همه عرصه‌ها گریزناپذیر است و در نتیجه فقیهان می‌بایست با رصد کردن تحولات جهانی و اجتماعی علم فقه را صورتی امروزی بخشند.

آنچه در حال حاضر جریان دارد به این صورت است که نسبت به مسائل جدید (مستحدثه) استفتاء صورت می‌گیرد و فقها بر اساس مبانی فقهی خود، مسئله را تا جایی که ممکن است در همان مقولات فقهی می‌گنجانند و اگر نگنجید با اعمال احکام ضروری ثانوی و یا اصول عملیه موضوع را فیصله می‌دهند و اگر با موضوعی برخورد نمودند که در ذیل موضوعات یا احکام فقهی قبلی نمی‌گنجد، در صورتی آن را تجویز می‌نمایند که مخالف با قوانین فقهی نباشد و در صورت مخالفت، از طریق احکام حکومتی که بر اساس مصالح نظام تعیین می‌گردد پذیرفته می‌شوند.

به نظر می‌رسد که فقیهان می‌بایست علاوه بر نگاه دقیقی که به منابع فقهی خویش می‌افکنند به شرایط اجتماعی و تحولاتی که در سطوح مختلف جامعه رخ می‌دهد و همچنین به ارزیابی بازخورد اجرای احکام فقهی در جامعه نیز توجه لازم را مبذول فرمایند چرا که در غیر این صورت احکامی صادر می‌شوند که کارایی لازم را نداشته و یا برعکس مشکلات جامعه را افزون‌تر میکنند

8. Bashirieh, Hossein, Political Sociology: The Role of Social Forces in Political Life, Tehran, Ney Publishing, 2000.
9. Sheikh Saduq, Ahmad ibn Ali ibn Babawiyyah, from Layehdhra al-Faqih, vol. 3, Qom, Marashi Najafi Library, 2003.
10. Khomeini, Ruhollah, translated by Tahrir al-Waseela, translated by Ali Islami, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, 1415.
11. Karakji, Abu al-Fatah Muhammad ibn Ali, Al-Qul Al-Mubin, Qom, Al-Bayt Institute, 1417
12. Mousavi Ardebili, Abdul Karim, Fiqh al-Hudood wa al-Tazirat, vol. 1, Qom, Al-Mufid Society, unpublished
13. Fazelian, Pourandokht, A study of the relationship between the type of hijab and the level of social security among women in Tehran, Women's Research Journal, Vol. 1, No. 2, Fall and Winter 2010.
14. Mousavi Bojnourdi, Mohammad, and Atefeh Kabir Takmilinejad, The position of justice and ethics in Islamic jurisprudence and law with an approach to the views of Imam Khomeini, Matin Research Journal, Vol.
15. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Ch 5, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, 1417 AH.
16. Montazeri, Hossein Ali, Fundamentals of Islamic Jurisprudence, Vol. 1, Qom, Kayhan, 1409.